



روایت ۳ همسایه محله انصار که نوجوانی شان مصادف با ایام انقلاب بود

۵۰۴

ما هم در پیروزی سهیم بودیم



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

فعالیت‌های مسجد امام زمان (عج) از خردسال تا سن و سال دار
محله امیرالمؤمنین (ع) را دور هم جمع کرده است

حلقه وصل همسایه‌ها

۶



ساکنان انتهای خیابان اروند از مزاحمت‌های
کارگاه‌های ضایعات آهن عاصی هستند

۳

شب و روز بدون آرامش

نونهال محله شهید بسکابادی
فوتبالیست تیم امید مشهد است

۷

کسب موفقیت با حمایت دایی



ساکنان خیابان‌های شهید یعقوبی ۱۶ و ۱۸ از وضعیت ناهمگون پیاده‌رو و جوی‌ها گلایه دارند

پیاده‌روی ناایمن و خطرناک

اصلاً قابل استفاده نیست و از پیاده‌رو سمت دیگر حرکت می‌کنیم. کریمی از جوی خیابان هم می‌گوید که ظاهر مرتبی ندارد و معمولاً آب راکد در آن جمع می‌شود. او ادامه می‌دهد: از طرفی به سختی ماشین را داخل پارکینگ خانه می‌آوریم. چون پل، به دلیل اختلاف ارتفاع زیاد پیاده‌رو و کوچه، شیب تندی دارد. همه این مشکلات با آسفالت معبر و پیاده‌رو سازی یکسان حل می‌شود.

● پیاده‌روسازی، در برنامه سال آینده شهرداری

شهردار منطقه ۵ در پاسخ به مشکل مردمی پیاده‌روسازی، ابتدا درباره فراهم کردن زیرساخت مناسب برای پیاده‌روسازی معابر محله امیرالمؤمنین (ع) گفت: اولویت ما اجرای کانال‌های زیرسطحی، جمع‌آوری روان آب‌ها و پیاده‌روسازی معابر اصلی و پرتدد بود. هدف این بود که به خصوص در زمان بارش‌ها، هیچ منزلی دچار آب‌گرفتگی نشود که در این بخش موفق بودیم.

به گفته حسن صالحی مفرد، قدم بعدی شهرداری، استحصال زمین در انتهای خیابان شهید آوینی ۵۷ بود که با انجام آن، کانال هدایت آب‌های سطحی به کال اقبال متصل شد و مزارع، دیگر با آب آلوده جوی‌های گلشهر آبیاری نمی‌شود.

وی افزود: اکنون در این مرحله باید کانالی بین خیابان شفیعی ۵۰ تا انتهای خیابان آوینی ۵۷ متصل شود تا بعد سراغ پیاده‌روسازی معابر فرعی و کم تردد برویم. برای این کار ابتدا باید چند ملک در انتهای خیابان یعقوبی تملک شود تا ادامه، معبر، اصلاح و این فرایند کامل شود. این تملک‌ها در دستور کار امسال قرار دارد و بلافاصله پس از بازگشایی اعتبار این بخش انجام می‌شود. با این روند قطعاً در سال آینده اتصال کانال و پیاده‌روسازی معابر فرعی یعقوبی انجام خواهد شد.

● سواره‌رو امن‌تر از پیاده‌رو!

وارد خیابان شهید یعقوبی ۱۸ می‌شویم. طیبه حسینی با کالسکه کودکش از سواره‌رو به سمت ما می‌آید. وقتی می‌پرسیم چرا از پیاده‌رو نمی‌روی، می‌گوید: پارسان در پیاده‌رو همین کوچه، اختلاف ارتفاع را ندیدم؛ زمین خوردم و پایم رگ به رگ شد. باید هر لحظه کالسکه فرزندم را پایین بگذارم یا بالا ببرم که بتوانم از چند صد متر پیاده‌رو استفاده کنم. هر چند سواره‌رو خطرناک است، از این پیاده‌رو با این همه پستی و بلندی نمی‌توان استفاده کرد.

محمد جلالی، کاسب خیابان شهید یعقوبی ۱۸، هم درباره وضعیت نامناسب پیاده‌رو می‌گوید: ماشش سال است که ساکن این کوچه شده‌ایم. از همان سال تا الان پیاده‌رو همین شکلی بوده و تغییری نکرده است. به گفته او همسایه‌ها گاهی برای رفت و آمد راحت خود یا خود رویشان، جلو خانه شان را موزاییک یا سنگ فرش می‌کنند که باعث می‌شود ارتفاع پیاده‌رو در آن نقطه زیاد شود. جلالی ادامه می‌دهد: پیاده‌رو با فاصله‌های کوتاه ناهم تراز است؛ مثلاً کمی جلوتر، ورودی یک کوچه بن بست، از قدیم ارتفاعی برابر با سواره‌رو دارد. این یعنی دائماً بالا یا پایین رفتن عابران. بگذریم از اینکه بخش‌هایی از پیاده‌رو همیشه خاکی بوده است.

وارد خیابان هم جوار یعنی شهید یعقوبی ۱۶ می‌شویم. سمت چپ کوچه پیاده‌روی سالم و بهسازی شده دارد، اما سمت راست تکه تکه و ناهمگون است. جوی هم جدول‌گذاری نشده است. به جز این موارد، به خاطر اختلاف ارتفاع زیاد سواره‌رو و پیاده‌رو، پل‌های دست‌ساز هم بی‌قواره هستند و قسمتی از سواره‌رو را اشغال کردند. اسماء کریمی دو سال است که در یکی از منازل این کوچه خانه‌ای اجاره کرده است. او می‌گوید: پیاده‌رو سمت منزل ما

سید محمد عطائی چند متر، با موزاییک پوشیده شده است و بعد از آن با سیمان. کمی جلوتر، سطح زمین پایین تر رفته و چند قدم بعد دوباره مانند پله‌ای بالا آمده است.

اینجا پیاده‌رو خیابان‌های شهید یعقوبی ۱۶ و ۱۸ در محله امیرالمؤمنین (ع) است. پیاده‌روی قدیمی و ناهم سطح که مقابل در هر خانه، شکلی متفاوت دارد. این پیاده‌رو عملاً قابل استفاده نیست؛ چون عابر پیاده هر لحظه ممکن است با تغییر ارتفاع زمین بخورد یا با عبور از مسیر خاکی، کفش و لباس‌هایش کثیف شود. به درخواست یکی از ساکنان برای بررسی شرایط به این کوچه‌ها آمدیم.



هم قدم



عطایی | شهردار منطقه ۵ از فراهم شدن امکان دریافت مجوز تجاری دائم برای ۲ هزار واحد دارای تجاری موقت خبر داد. حسن صالحی مفرد با بیان این مطلب گفت: با اخذ تأییدیه‌های لازم و همکاری استانداری خراسان رضوی، فرمانداری مشهد و براساس طرح تفصیلی، برای بیش از ۲ هزار واحد تجاری موقت فعال در منطقه، امکان صدور مجوز تجاری دائم فراهم شده است. به گفته وی بنا به ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی طی سالیان گذشته، امکان تبدیل تجاری موقت به دائم میسر نبود، اما با توجه به تقاضاهای شهروندان و مساعدت‌های صورت گرفته شورا و مدیریت شهری، هم‌اکنون امکان پاسخ‌گویی به این درخواست‌ها در تبدیل مجوز تجاری موقت به تجاری دائم بعد از بیست سال فراهم شده است. این فرصت برای تجاری‌های سی معبر سطح منطقه شامل خیابان‌های مهرآباد ۳، مهرآباد ۲، فرزین، محراب، نوروزی، آرمون ۲۶، امتداد سخاوت - کرامت ۶، دادگر، شفیعی ۳۵، انتهای سخاوت، خیرآبادی ۴، خیرآبادی، شفیعی ۳۲، فرعی‌های شفیعی ۳۶، شفیعی ۴۰، ۴۲، ۴۸، امتداد بازار شلوغ گلشهر، شهید بهشتی، شیرینی نژاد ۷، حجت‌آباد، شهید آوینی ۲۵... میسر شده است.



شهردار منطقه ۵ از فراهم شدن امکان صدور مجوز تجاری دائم برای واحدهای تجاری موقت خبر داد

باز شدن گره بیست ساله

شهردار منطقه ۵ افزود: شهروندان و متقاضیان نشانی‌های اعلامی، می‌توانند با مراجعه به شهرداری منطقه ۵ تا ۲۵ بهمن از تخفیف ۲۵ درصدی بهره‌مند شوند. همچنین آن دسته از متقاضیان بهره‌مندی از تجاری دائم که پیش از این دارای مجوز تجاری موقت بودند، از تخفیفات ویژه برخوردار می‌شوند.

نهضت آسفالت برای ۲۰۰ معبر پرتدد

شهرداری منطقه ۵ در دو سال گذشته، دو بیست معبر اصلی، پرتدد یا مورد تقاضای شهروندان را در اولویت ترمیم آسفالت قرار داده و روکش آسفالت این معابر انجام شده است. این اقدام با اعتباری معادل ۸۰ میلیارد تومان و در مساحت ۱۷۵ هزار مترمربع صورت گرفته است.



شهر خبر



احداث معابر اراضی بزرگ

طبق اعلام شهرداری منطقه، معابر اراضی بزرگ با اعتبار ۹۰ میلیارد تومان احداث شد. پروژه احداث معابر شهرک صنعتی دنا واقع در اراضی بزرگ با اعتبار ۹۰ میلیارد تومان اجرا شده و هم‌اکنون پس از یک سال، آماده بهره‌برداری است. این پروژه در بولوار مفتوح شرقی ۲۰ و محله ثامن قرار دارد و ۱۵ هزار مترمربع معبر جدید در این محله ایجاد می‌کند.

پاکبانان آماده برای استقبال از بهار

نشست توجیهی ویژه استقبال از بهار با حضور ۱۵۰ پاکبان منطقه ۵ برگزار شد. در این جلسه بر توجه به مسائل و نکات ایمنی حین انجام کار تأکید شد. همچنین در این برنامه به پاکبانان منطقه، آموزش‌هایی مبنی بر رعایت اصول رنگ‌آمیزی و زیباسازی مبلمان شهری، توجه به کیفیت و کمیت کار و دقت در اجرای پروژه‌های استقبال از بهار ارائه شد.

دارد این کارگاه‌ها اینجا بوده اند و همیشه هم مشکلاتی برای ساکنان به وجود آورده اند. او می‌گوید که چندین نوبت اعتراض ساکنان تأثیری در رفتار کسبه نداشته است و می‌افزاید: همسایه‌های دیگر ما که در ابتدا میانه خیابان اروند زندگی می‌کنند، این مشکلات را لمس نمی‌کنند؛ اما ما که خانه مان در انتهای خیابان اروند قرار دارد، چه گناهی کرده ایم؟

او مشکلاتشان را این طور بیان می‌کند: گاهی سروصدای برخی کارگاه‌ها آزار دهنده می‌شود. هر ساعتی از شبانه روز مشغول برش و جابه جایی آهن می‌شوند و توجهی هم به اعتراض ساکنان ندارند. علاوه بر این، وجود این کارگاه‌ها چهره محله را هم نازیبا کرده است. کاش این کارگاه‌ها به محدوده خارج از شهر منتقل شود. او در ادامه درباره مشکل سد معبر هم توضیح می‌دهد: خیابان که هیچ، قبلا حتی خود رویایشان وارد پیاده رو هم می‌شد؛ اما خوشبختانه چند وقت پیش، شهرداری بعد از پیاده‌رو سازی در انتهای خیابان، سر مهر معبری ستونی گذاشت. حالا اغلب نمی‌توانند ماشین را داخل پیاده رو بیاورند.

نصفه شب شروع به آهن‌بری می‌کنند و بارها کردن لوازم و ضایعات در پیاده‌روها سد معبر می‌کنند. ما نمی‌فواهییم نان کسی را آبر کنیم؛ اما باید کمی به فاطمه منازل مسکونی رعایت کنند

فقط ۳ کارگاه مجوز فعالیت ندارند

شهردار منطقه ۶ در پاسخ به این مشکلات مردمی، ابتدا درباره تعداد این کارگاه‌ها و فعالیتشان توضیح می‌دهد: طبق بررسی و بازدیدهای ما، ۲۶ کارگاه و انبار در انتهای اروند مشغول به کارند که بیشتر خرید و فروش ضایعات و آهن آلات انجام می‌دهند. ۲۳ تا از آن‌ها مجوزهای لازم برای بازیافت و خرید و فروش ضایعات و آهن آلات را دارند و فعالیتشان با مراعات حال ساکنان و کنترل شده است. حسین بنایی منش در ادامه درباره پیگیری‌های شهرداری برای کنترل فعالیت کارگاه‌های بدون مجوز می‌گوید: فقط سه کارگاه مجوز ندارند که از ماه گذشته به درخواست اهالی در حال بررسی عملکردشان هستیم و اقدامات قانونی را با اخطار و در مرحله بعد، پلمب این کارگاه‌ها انجام می‌دهیم.



آلودگی صوتی و سد معبر

هرچه به انتهای خیابان نزدیک می‌شوم، حال و هوای محدوده بیشتر تغییر می‌کند. خانه‌های مسکونی کمتر می‌شوند و جاییشان را به کارگاه‌ها و انبارها می‌دهند؛ انبارهای پر از ضایعات آهن که فروشندگان آهن قراضه می‌خرند و می‌فروشند. مسعود خیراللهی، ساکن اروند ۶، هشت سال پیش به این خیابان آمده است. او یکی از مشکلات محل سکونتش را وجود همین کارگاه‌ها می‌داند و توضیح می‌دهد: برخی از این کارگاه‌ها مزاحمتی برای مردم ندارند؛ اما برخی دیگر هر کار دلشان می‌خواهد، انجام می‌دهند. نصفه شب شروع به آهن‌بری می‌کنند و بارها کردن لوازم و ضایعات در پیاده‌روها سد معبر می‌کنند. ما نمی‌خواهیم نان کسی را آبر کنیم؛ اما باید کمی به خاطر منازل مسکونی رعایت کنند. او ضمن تشکر از کسبه‌ای که این موارد را رعایت می‌کنند، از بقیه هم می‌خواهد که به فکر حال همسایه‌هایشان باشند.

پیاده‌رو و خیابان در قرقشان است

زهرامحمدی، دیگر ساکن قدیمی خیابان اروند، از زمانی که به یاد

ساکنان انتهای خیابان اروند از مزاحمت‌های کارگاه‌های ضایعات آهن عاصی هستند

شب و روز بدون آرامش

سحر نیکو عقیده در انتهای خیابان اروند، کمی بعد از خانه‌های مسکونی، چند کارگاه آهن‌بری و فروش ضایعات آهن فعالیت می‌کنند که برخی از آن‌ها به معضلی برای ساکنان تبدیل شده‌اند. صدای بلند دستگاه‌ها در طول روز و حتی شب، روشن کردن آتش و سد معبر با ماشین‌های سنگین، آرامش و نظم این خیابان را به هم زده است. همچنین ساکنان گلا به مندند که وجود این کارگاه‌ها چهره محله را نازیبا کرده است و خواستار تغییر این شرایط هستند.



هم قدم



مرحله نخست جام فوتبال دهه فجر مساجد محلات منطقه ۶ برگزار شد

پا به توپ شدن مسجدی‌ها

عطایا جمعه گذشته، مرحله اول بازی‌های جام دهه فجر مساجد محلات اروند، موعود و انصار به میزبانی سالن ورزشی بسیج حوزه ۸ کمیل محله اروند برگزار شد.

مسئول فرهنگی هیئت امام حسن مجتبی (ع) و مجری برگزاری این جام، درباره شرکت‌کنندگان این طور توضیح داد: تعداد سی تیم فوتسال در این مسابقات شرکت کردند که در ده سنی نونهالان، نوجوانان و جوانان به رقابت می‌پردازند. مرحله اول این جام، جمعه گذشته به صورت حذفی برگزار شد و مرحله دوم و پایانی نیز جمعه هفته آینده در زمین ورزشی بوستان نصرت برگزار می‌شود. رضا کرمانی افزود: معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶ در بخش جوایز حامی این مسابقات است.



در بوستان کرامت بدون دغدغه ورزش کنید

سه مجموعه کامل از وسایل ورزش بدن سازی در بوستان کرامت جانمایی و نصب شد. شهردار منطقه ۶ با اعلام این خبر گفت: هر دست ورزشی شامل هشت دستگاه بدن سازی است. حسین بنایی منش افزود: این اقدام در راستای تجهیز اماکن تفریحی و ورزشی و همچنین ترغیب بیشتر شهروندان به ورزش و سلامت جسمانی انجام شده است.

شهرداری پای کار آسفالت مدارس

عملیات روکش آسفالت مدرسه شهید صیاد شیرازی انجام شد. از آنجاکه عملیات روکش آسفالت مدارس، یکی از اولویتهای شهرداری برای تأمین رفاه حال دانش‌آموزان و جلوگیری از خطرات احتمالی برای آن‌هاست، این پروژه در خیابان هفده شهریور ۲ در دبیرستان شهید صیاد شیرازی به متر اژده ۱۸۰ متر مربع اجرا شد.

صدور ۱۸۰۰ اخطار به سد معبر

از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۱۸۰۰ اخطار به سد معبر از سوی شهرداری منطقه ۶ صادر شده است. این اخطارها در زمینه‌های سد معبر، خودرو فرسوده، نصب تابلو غیرمجاز و مازاد، داربست غیرمجاز و خطرناک و... بوده که با کمک شهروندان و برخورد عوامل شهرداری با افراد خاطی صورت پذیرفته است.



شهر خبر



دیدار همسایه‌های هم‌رزم

در فضای ساکت و آرام گلزار شهدای انقلاب، در دل بوستان آلاله هادر محله پورسینا، به انتظار سه راوی هستیم: سه همسایه‌ای اولین کسی که از راه می‌رسد، غلام یحیی ثابتی است. با قدم‌هایی آرام و چهره‌ای که از سال‌ها تجربه زندگی حکایت دارد، به سمت مزارهای می‌آید. دستش را روی یکی از سنگ‌ها می‌کشد، گویی با شهدا نجوای می‌کند. کمی بعد، علی اصغر تیموری از راه می‌رسد. با چهره‌ای گشاده و لبخندی گرم، به غلام یحیی نزدیک می‌شود و با او دست می‌دهد. خوش و بشی کوتاه و پیراز احوالپرسی‌های صمیمانه بین آن‌ها ردوبدل می‌شود. آخرین نفر، ابوالفضل ناجی است که به جمع می‌پیوندد. این سه نفر که حالا هم محله‌ای هستند، روزی بی‌آنکه خودشان بدانند هم‌رزم یکدیگر بوده‌اند. آن‌ها کنار هم می‌نشینند تا خاطراتشان را از روزهای انقلاب، از شور و جوانی، از ترس‌ها و امیدها و آرزوهایی که در دل داشتند، بازگو کنند.



روایت ۳ همسایه محله انصار که نوجوانی شان مصادف با ایام انقلاب بود

ما هم در پیروزی سهیم بودیم

نیکو عقیده | تاریخ را که ورق می‌زنی، گاهی صدای پای کودکان و نوجوانانی را می‌شنوی که نقش‌هایی بزرگ ایفا کرده‌اند. درست مثل مخاطبان گفت‌وگوی امروزمان که در ایام انقلاب اسلامی، نوجوان بودند. روزهایی بود که با چشمانی پر از امید و قلبی سرشار از آرزو، کف خیابان، مشت‌هایشان را گره کردند و برای پیروزی انقلاب اسلامی بالا بردند. کسانی که در آن روزهای پرتلاش، نه در حاشیه، که در قلب رویدادها ایستادند و در ساختن آینده‌ای جدید سهیم داشتند. حالا آن نوجوانان پایه‌ساز گذشته، بزرگ شده‌اند و پس از نزدیک به چندین دهه، هرکدامشان داستانی منحصر به فرد از آن ایام دارند: داستانی که امروز قرار است برایمان روایت کنند. راویان این گفت‌وگو، غلام یحیی ثابتی، علی اصغر تیموری و ابوالفضل ناجی، سه تن از ساکنان محله انصار هستند که به بوستان آلاله‌های محله پورسینا آمده‌اند و کنار مزار شهدای انقلاب، خاطراتشان از آن روزها را تعریف می‌کنند.

علی اصغر تیموری، متولد ۱۳۴۱، کاسب قدیمی محله انصار، مغازه‌اش در میانه خیابان ثابتی قرار دارد. روزگاری نوجوانی پانزده‌ساله بود که تازه وارد مشهد شده بود و حالا خاطرات زیادی از آن دوران در ذهنش نقش بسته است: خاطراتی که هر سال، در چنین روزهایی، دوباره برایش مرور می‌شود.



بحث‌های داغ سیاسی

از روستای کلاته سفید تربیت جام تک و تنه‌ها به شهر آمده بودم تا کار کنم. لوله‌کش بودم و در اتاقی کوچک در خانه عمومی زندگی می‌کردم. هنوز غربیه شهر بودم، اما طولی نکشید که زمزمه‌های انقلاب در گوشم پیچید. آن روزها، شب‌ها در خانه عمومی بحث‌های سیاسی داغ بود. اقوام دور هم می‌نشستند، از اوضاع کشور حرف می‌زدند، از نارضایتی‌ها، از امیدها، از تغییریری که در راه بود. من هم گوشه‌ای می‌نشستم، ساکت اما کنج‌کاو، مویه موهمه چیزهای شنیدم.

کم‌کم فهمیدم که عموهایم به منزل آیت‌الله شیرازی می‌روند، جایی که به یکی از پایگاه‌های مهم فعالیت‌های انقلابی در مشهد تبدیل شده بود. این رفت و آمدها برایم پراز مرموز بود. دل و جرئت زیادی می‌خواست، اما حس می‌کردم نباید از قافله عقب بمانم. یک شب، بی‌آنکه به کسی چیزی بگویم، تصمیم گرفتم همراهشان بروم. از خانه عمومی در خیابان رسالت تا چهارراه آهن راه پیمایی کردم. خانه آیت‌الله شیرازی غلغله بود؛ من، با قندوقاره کوچک و جسارت نوجوانانه‌ام، از بین جمعیت راه‌بازی می‌کردم تا خودم رابه داخل برسانم. آن فضا وحس و حال از ذهنم نرفته، آن آدم‌ها، شعارها، نجواها، همه‌های که در عین شلوغی، امید را در دل‌ها شعله‌ور می‌کرد.

عموهایم بالاخره متوجه ما جراشدند. اینکه پنهانی در راه پیمایی‌ها شرکت می‌کنم و به خانه آیت‌الله شیرازی می‌روم، برایشان نگرانی بزرگی شده بود. فکر می‌کردند مسئولیت‌مرا به دوش دارند، اینکه دستشان امانت هستم و نباید اجازه بدهند بی‌گدار به آب بزنم. بارها توبیخ‌ها کردند، بارها تهدید کردند که اگر باز هم پایه این میدان‌ها بگذارم، مرا به روستا برمی‌گردانند. اما من گوشم بدهکار نبود.

شاهد عینی‌ادی

از آن روزها خاطرات بسیاری در ذهنم مانده، اما یکی از پراضطراب‌ترینشان بی‌شک مربوط به واقعه ۱۰ دی است. یکی از کانون‌های اصلی درگیری مردم با مأموران شهربانی و ارتش، حدفاصل میدان ۱۰ دی و خیابان رازی غربی بود. آن روز، مثل همیشه، بیوشکی خودم رابه آنجا رفتم. صدای شعارها در هوای پیچید، مردم پرشورتر از همیشه، فریاد می‌زدند و تعدادشان هر لحظه بیشتر می‌شد.

ناگهان صدای تیراندازی بلند شد. لحظه‌ای بیخ‌زدم، مردم می‌دویدند، فریاد می‌زدند، اما شلیک گلوله‌هایی وقفه‌ادامه داشت. یکی از گلوله‌ها از بیخ گوشم رد شد. نفسم بند آمد. بی‌اختیار خودم رابه داخل جوی آب کنار خیابان پرت کردم، همان جادراز کشیدم و نفس‌هایم را در سینه حبس کردم. یک ساعت تمام همان طوری حرکت ماندم، انگار که زمان متوقف شده بود.

بالاخره صدای گلوله‌ها خاموش شد و مأموران عقب‌نشینی کردند. صحنه‌ای که هنوز پیش چشمم قرار دارد و در ذهنم حک شده، این طور بود: مردمی که با اضطراب، مجروحان را از روی زمین بلند می‌کردند، کسی که زیر بغل دوستی را گرفته بود و کمک می‌کرد، صدای گریه‌ای که در میان همه‌ها گم می‌شد.



پرا التهاب‌ترین روزها و در عین حال، شیرین‌ترین خاطرات زندگی‌ام همان روزها بود. روزهایی که مردم، بی‌آنکه یکدیگر را بشناسند، یکدل و همراه بودند.

گنجینه‌ارزشمند گذشته

همه یک هدف مشترک داشتند، یک رؤیا، یک امید. حالا هر سال، وقتی زمستان از راه می‌رسد، خاطرات کودکی‌ام را مرور می‌کنم. انگار که آن صحنه‌ها را دوباره به چشم می‌بینم؛ کوچه‌ها، شعارها، اضطراب‌ها، امیدها. این خاطرات برای من گنجینه‌ای ارزشمند هستند، بخشی از هویت من، چیزی که دلم نمی‌خواهد هیچ‌وقت فراموششان کنم.



غلام یحیی ثابتی، متولد ۱۳۴۸، حالایی از فعالان محله انصار و عضو هیئت امنای مسجد است و دلش می خواهد محله پیشرفت کند. اما سال ها پیش، وقتی فقط ۹ سال داشت، انقلاب را از دریچه چشم یک کودک تجربه کرد. او که اصالتاً اهل روستای گل کن در تربت جام است، آن روزها راهم در شهر دیده، هم در روستا خاطراتش محو و پراکنده اند. اما هنوز هم وقتی به آن سال ها فکر می کند، تلخی فقر و نارضایتی روستاییان را به یاد می آورد.



تلخی فقر و نارضایتی روستاییان را به یاد می آورد.

سال های قبل از انقلاب ما مدام بین شهر و روستا در رفت و آمد بودیم. وضع زندگی روستایی ها خیلی سخت بود. خیلی وقت ها نفت به آن ها نمی رسید. خیلی از خانه ها چراغ نفتی هم نداشتند. برق که نبود، آب آشامیدنی هم از چاه می کشیدند. روستایی ها از زندگی خسته شده بودند، از ظلم، از ناداری، از اینکه هیچ کس صدایشان را نمی شنید.

شاهد در خانه خدا جا ندارد

حتی در کوچک ترین بخش های زندگی هم نارضایتی موج می زد. کلاس های مدرسه روستا در مسجد برگزار می شد. یک روز، مأموران دولتی آمدند و عکس بزرگی از شاه را به دیوار مسجد نصب کردند. مردم ناراحت شدند. شب، بزرگ ترها دور هم جمع شدند و با هم حرف زدند. می گفتند شاه جایی در خانه خدا ندارد. چند روز بعد، یک نفر، پنهانی عکس را پایین آورد.

گاهی با خانواده به شهر می آمدیم و چند روزی در خانه فامیل می ماندیم. یک بار، وقتی به خانه خاله هایم رفتیم، دیدم که زن های فامیل باترس ولرز مجلس روضه گرفته اند. آن زمان، هر مجلس مذهبی برای حکومت مثل یک جلسه سیاسی بود. ساواک حساس بود، مأمورها به مجلس ها سرک می کشیدند. همه چیز در سکوت و با احتیاط برگزار می شد. اما وقتی سخنران، پنهانی از ظلم و ستم شاه گفت، برق امید را در چشمان زن های مجلس دیدم. انگار همه منتظر بودند که یک نفر این حرف ها را بزند.

جلسه سیاسی روضه

روز پیروزی انقلاب، من و خانواده ام در روستا بودیم. خبر پیروزی را که شنیدیم، یادم است که همه خانواده تصمیم گرفتیم به تربت جام برویم، فقط برای اینکه امام خمینی (ره) را از تلویزیون ببینیم. جمع شدیم، سوار ماشین شدیم و رفتیم. وقتی تصویر امام را روی صفحه سیاه و سفید تلویزیون دیدیم، انگار سختی های آن سال ها از بین رفت.

حالا، هر سال در محله مان، سالگرد پیروزی انقلاب را جشن می گیریم. محله را آذین می بندیم و شربت و شیرینی پخش می کنیم. این جشن فقط یک مراسم سالانه نیست، یادآوری آن روزهایی است که مردم برای حقشان ایستادند، روزهایی که تلخ و سخت بود، اما در پایان، شیرینی پیروزی را به همراه داشت.

ابوالفضل ناجی اصالتاً مشهدی است. او حالا یکی از ساکنان قدیمی محله انصار محسوب می شود و در خیابان ثابتی، بنگاه معاملات املاک دارد. اما کودکی اش را در خیابان نوغان گذرانده است. سال ۱۳۵۷ چهارده سال بیشتر نداشته، اما تمام آن روزها را واضح و روشن به یاد می آورد: خاطراتی که انگار در ذهنش حک شده اند.



شمرده شمرده و با دقت از آن زمان می گوید: از شب های پریهجان شعار نویسی روی دیوارها، از شرکت در راهپیمایی ها، از روزهایی که نوجوانان، بی باک و جسور، در کنار مردم به خیابان می آمدند و صدای اعتراضشان را بلند می کردند.

آن روزها هر جا که می رفتی، بحث از امام خمینی (ره) و انقلاب بود؛ خانه، خیابان، بازار، حتی مدرسه. من در مدرسه «جامی» بولوار وحدت درس می خواندم. هنوز هم

پیچ و دعوای در مدرسه

زنگ های تفریح را به یاد دارم که بحث های سیاسی داغ می شد و بچه ها، هر کدام با هیجان از آخرین خبرها می گفتند. بحث ها از داخل خانه ها به حیاط مدارس کشیده شده بود، از پیچ های نیمکتی تا جرو بحث های داغ. دعوا بین بچه های موافق و مخالف بالا می گرفت، گاهی مشت ها هم بالا می رفت. انگار هیچ کس نمی توانست بی تفاوت باشد.

پدر و مادرم خودشان در راهپیمایی ها شرکت می کردند، اما ما را از حضور در خیابان ها منع می کردند. نگرانی شان بی دلیل نبود، ولی مگر می شد جلوی یک نوجوان پر شور را گرفت؟ کار خودم را می کردم. پنهانی از خانه بیرون می رفتم، میان جمعیت گم می شدم، شعار می دادم. وقتی به اطراف نگاه می کردم، می دیدم که نیمی از جمعیت هم سن و سال خودم هستند؛ نوجوان هایی که دلشان نمی خواست زیر بار حرف زور بروند، آمده بودند تا سر نوشتشان را خودشان رقم بزنند.

راهپیمایی ها بیشتر در چهارراه شهدا که آن زمان چهارراه نادری نام داشت، شکل می گرفت. من هر روز آنجا بودم. با دوستانم به تانک ها سنگ پرتاب می کردیم و با صدای بلند شعار می دادیم. انگار ترس برای ما معنایی نداشت و از هیچ چیز آباایی نداشتیم. آن زمان مردم خیلی یکدل و یک رنگ بودند. آن ها که در تظاهرات شرکت نمی کردند هم بالاخره به طریقی با این موج همراه می شدند؛ مثلاً عده ای بودند که در خانه هایشان را بازمی گذاشتند، تیراندازی که زیاد می شد، همه به سمت این خانه ها می رفتند و در حیاط ها پناه می گرفتند. یادم است که یک بار در همان گیر و دار وارد خانه ای شدم که شاید صد نفر آنجا پناه گرفته بودند. گاهی صاحب خانه ها در همان گیر و دار آب و چای و میوه هم می آوردند و به دست معترضان می دادند.

پخش شب نامه ها معمولاً کار بزرگ ترها بود، اما شعار نویسی بر عهده نوجوان ها و جوان ها. دیوارهای شهر، پر از نوشته هایی شده بود که بوی اعتراض می دادند.

مشق انقلاب روی دیوارها

چند شب، با بچه های محله نقشه کشیدیم. صورتمان را با شال پوشاندیم، دست هایمان می لرزید، اما دل هایمان قرص بود. قوطی اسپری را در دست می گرفتیم و روی دیوارها می نوشتیم «مرگ بر شاه». بعد، با عجله فرار می کردیم و از دور به دیوارهای تازه نوشته شده نگاه می کردیم، انگار که آن کلمات جان داشتند و با ما حرف می زدند.

آن دوران پر از خطر بود، پر از هیجان. اما هیچ چیز مانع ما نمی شد. حتی ترس ها و گلوله ها و تهدیدها. شور پیروزی که در دل مردم افتاده بود، وصف شدنی نبود. حالا که سال ها گذشته، هنوز هم وقتی به آن روزها فکر می کنم، همه چیز را زنده در ذهنم می بینم. صدای شعارها، هیجان جمعیت، چهره های مصمم، و آن حسن ناب همراهی، تاریخ را بزرگ ترها می نویسند، اما آن روزها، ما نوجوان ها هم سهمی در ساختنش داشتیم.



فعالیت های مسجد امام زمان (عج) از خردسال تا سن و سال دار محله امیرالمؤمنین (ع) را دور هم جمع کرده است

حلقه وصل همسایه ها



فعالیت های بانوان مسجد

● دورهمی کنار یک سفره

بانوان از اعضای پای کار و فعال مسجد هستند که تاکنون برنامه های متنوع و جذاب بسیاری برگزار کرده اند. این فعالیت ها باعث همدلی بیشتر بین بانوان شده است. نتیجه گلستانی، مسئول قسمت بانوان مسجد و فرمانده پایگاه بسیج یاسین، درباره فعالیت هایشان می گوید: سالی چند نوبت در مسجد جشنواره غذا برگزار می کنیم. در این برنامه، بانوان محله غذاهای سنتی و بومی درست می کنند و به مسجد می آورند. همه غذاها را روی سفره می چینیم و در آخر برنامه، طعم، مزه و ظاهر غذا را داور و برندگان مشخص می شوند. بهانه ما فقط دورهمی است و می خواهیم بانوان یک وعده کنار هم دست پخت هم را بچسبند. این مراسم بیشتر در مناسبت های مذهبی مربوط به بانوان برگزار می شود، مثل ولادت حضرت فاطمه (س) و حضرت معصومه (س) و معمولاً حدود ۲۵ بانو در آن شرکت می کنند.

خانم گلستانی به برنامه هایی دیگری اشاره می کند مثل جشن تکلیف امسال دختران که سیصد نفر مهمان داشتند. اما شاید از همه جذاب تر، برنامه ای مخصوص بانوان سن و سال دار باشد. این برنامه با نام «خودمان» چهارشنبه های هر هفته برگزار می شود و طی آن خانم های سن و سال دار دورهمی خودمانی از خاطراتشان تعریف می کنند و گپ می زنند.

فعالیت های این مسجد، پیوند عمیقی بین بانوان محله ایجاد کرده است. آن چنان که با وقفه ای دو هفته ای به دلیل بیماری خانم گلستانی همه سراغ او را می گرفتند و می خواستند دوباره در مسجد دورهم جمع شوند.

فعالیت های نوجوانان مسجد

● بازی روی میز تنیس دست دوم

دو میز فوتبال دستی، یک میز تنیس روی میز که تعمیر شده، دارتی روی دیوار و چند توپ فوتبال و والیبال همه دارایی ورزشی نوجوانان این مسجد است. امیرحسین رضایی، نوجوان سیزده ساله همراه با دوستانش از این فضای ورزشی استفاده می کنند. او که از خودش مسئولیت پذیری نشان داده، از طرف هیئت امنای مسئول ورزش مسجد شده و حین بازی مراقب بچه هاست. امیرحسین می گوید: اوضاع و وسایل ورزشی خوب نیست، اما کار مارا راه می اندازد. سه سال پیش، وقتی می خواستیم بخش ورزشی را راه بیندازیم، برای تهیه وسایل سراغ همسایه ها رفتیم و از آن ها مقداری پول جمع کردیم. قسمتی از این وسایل ورزشی هم از شهرداری منطقه ۵ و یک مدرسه محله اهدا شد.

حدود بیست نوجوان هستند که بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء به زیرزمین مسجد می روند و یکی دو ساعت خودشان را سرگرم می کنند. امیرحسین می گوید: میز پینگ پنگ، دست دوم و تعمیر است؛ اما بازم بازی تنیس از همه بیشتر طرف دار دارد و باید بچه ها انتظار بکشند. خوشبختانه میز فوتبال دستی دو تا است و محدودیت کمتری دارد. چون وسایل ما کم است، گاهی حتی وسطی بازی می کنیم؛ ولی بازم اینجاست که فضای ورزشی در دسترس مان است و دوستش داریم.

● خیمه بی ریای نوجوانان مسجد

امیرحسین از همین الان یک فرد مسجدی فعال محسوب می شود. چون با همین سن و سالش ایستگاه صلواتی و خیمه عزاداری مسجد را مدیریت می کند. او می گوید: در هر مناسبت مذهبی، ایستگاه صلواتی را با کمک دوستان نوجوانم می گردانیم. گل سرسید ایستگاه های صلواتی مان در سالروز تولد امام زمان (عج) است. در آن ایستگاه صلواتی، هر کدام از بچه ها هر طوری بتوانند، پای کار است تا ایستگاه همان پروریمان باشد.

فعالیت های خیرانه

● حمایت از ۷۰ خانوار نیازمند

علی آقا بیشتر مسئولیت امور خیر مسجد را بر عهده دارد؛ برنامه هایی مثل تهیه بسته های مواد غذایی یا تهیه اقلام و وسایل ضروری منزل. او می گوید: اینجا هر از چندگاهی بسته مواد غذایی تهیه می کنیم و آن ها را به دست نیازمندان محله می رسانیم. طی تحقیق و بررسی در سال های اخیر متوجه شدیم که هفتاد خانوار محله در اولویت حمایت هستند. بسیاری از این خانواده ها حتی توانایی پرداخت قبوض خدماتی را ندارند. تعدادی شان نیازمند حمایت دارویی یا راجع به پزشکان هستند که با کمک خیران از آن ها حمایت می کنیم. موارد دیگری هست؛ مثلاً همین چند هفته پیش، تعداد ۲۵ عدد بخاری و ۲۵ عدد پتو را که با کمک خیران تهیه شده بود، به خانواده های نیازمند محله رساندیم.

عطائی ادر دل کو چه پس کو چه های محله امیرالمؤمنین (ع) مسجدی قرار دارد که ساخت بنا و نمای آن هنوز کامل نشده است. اما این شرایط باعث نشده فعال نباشد یا تنهابه برگزاری نماز جماعت قناعت شود. اینجا با همیاری فعالان مسجدی، هم محلی ها و خیرانی از دور و نزدیک حسابی رونق دارد. نوجوانانش برنامه های ورزشی و مراسمی مثل اعتکاف یا افطاری روزه اولی هارامی گردانند و بزرگ ترها در فعالیت های خیر مثل حمایت از نیازمندان و مراسم مذهبی مشارکت دارند. بانوانی هم هستند که برنامه هایی مثل جشنواره غذاهای بومی و محلی برگزار می کنند. مسجد امام زمان (عج) در خیابان شهید یعقوبی ۲۴ این محله، ابتدا احسینییه ای با همین نام بوده و در تجدید بنای سه سال پیش، مسجد به آن اضافه شده است.



● مسجد فعال و محوری محله

زمین ششصد متری این مسجد را مرحوم علی اکبر گلستانی سال ها پیش وقف حسینیه و مسجد کرده است. اکنون پسرش، علی گلستانی، عضو هیئت امنای مسجد و یکی از فعال ترین اعضای این جاست. او می گوید: از همان سه سال پیش که بنای جدید ساخته شده تا الان اینجابه همت خیران در حال ساخت و تکمیل شدن بوده است. این مسجد تقریباً در همه مناسبت های مذهبی، چه شادی و چه عزاداری مراسم دارد که معمولاً هزینه آن با کمک خیران محلی و آشنایان تأمین می شود. آماده سازی مراسم و پذیرایی را اعضای مسجد انجام می دهند و غذا هم در آشپزخانه همین جاطبخ می شود.

● مراسم مذهبی مسجد

● به سوی مسجد تراز اسلامی

فعالیت های خوب مسجد در این چند سال، مدیون همیاری و همکاری امام جماعت است. حجت الاسلام سید امیر نبی زاده، امام جماعت مسجد امام زمان (عج)، از آن دسته روحانیون جوان و پراز انرژی است که اهل گلشهر است و به اینجا عرق خاصی دارد. او می گوید: ما می خواهیم یک مسجد تراز اسلامی داشته باشیم. از نظر ما مسجد تنها جای نماز خواندن نیست.

سید امیر حتی از فرصت های کوتاه برای ارتقای سطح فرهنگی محله دریغ نمی کند؛ مثلاً پس از هر نماز جماعت، نکته ای کوتاه از نهج البلاغه ارائه می دهد. او جلسات هفتگی قرائت و تفسیر قرآن هم به راه انداخته و در این سال ها چندین نوبت بانی برگزاری جشن تکلیف دختران و مراسم افطاری روزه اولی ها یا اعتکاف بوده است. البته او معتقد است که بدون حضور خیران، کار پیش نمی رفت و می گوید: تعدادی از خیران این برنامه ها، گروه خدام حرم مطهر رضوی، کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین کارکنان شهرداری هستند که همیشه یار و یاور ما بوده اند.



سلسله جلسات آموزشی ویژه بانوان محله شهید آوینی با استقبال شرکت‌کنندگان روبه‌رو شد

حال خوب با خودمراقبتی



عیدگاه

به عنوان مثال من همیشه در ارتباط مناسب با افراد خود برترین مشکل داشتم و معمولاً در برخورد با این افراد از ارتباط پرهیز می‌کردم، ولی در این دوره یاد گرفتم که جایگاه خودم را برای این افراد مشخص کنم تا بتوانیم ارتباط مناسبی داشته باشیم.

● رنج کمتر با خودمراقبتی

طاهره - ف هم از شرکت در این دوره رضایت دارد و معتقد است مطالبی که درباره خودمراقبتی ارائه شده، بسیار کاربردی بوده است. نکته خوب این دوره از نظر او استفاده از تجربه دیگر شرکت‌کنندگان بود. فتحی می‌گوید: من هم تجربه شخصی خودم از زندگی را با دیگر هم دوره‌ای‌ها به اشتراک گذاشتم. چند سال پیش از همسرم جدا شدم و در آن دوره افسردگی به سراغم آمده بود. شرایط روحی‌ام آن قدر خراب بود که حتی می‌خواستم سرپرستی فرزندانم را به بهزیستی بسپارم. آن زمان به لطف خدا از پس مشکلات برآمدم، ولی با شرکت در این کارگاه متوجه شدم که اگر در آن دوره آگاهی بیشتری از خود و توانمندی‌ام داشتم، سختی کمتری متحمل می‌شدم. در این جلسه پایانی، به هریک از شرکت‌کنندگان هدایا، بسته آموزشی و خلاصه‌ای مکتوب از طرح تقدیم شد.

بهزیستی و مخصوص بانوان ۱۸ تا ۴۵ سال است. در این طرح تلاش می‌کنیم با به‌کارگیری رویکرد همپاری، ضمن ایجاد زمینه‌های مساعد برای ارتقای شخصیت زنان و دختران، خدماتی را برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی طراحی و تأمین کنیم. به گفته او در این دوره، آموزش‌هایی مبنی بر خودمراقبتی با تأکید بر کرامت انسانی، ارتقای دانش و آگاهی، عزت نفس و خودشکوفایی به شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود.

● مسئولیت‌پذیری، مهم‌ترین درس

ملیحه سمیعی، یکی از شرکت‌کنندگان این دوره، درباره اثرگذاری کلاس‌های می‌گوید: نکات ارزشمندی یاد گرفتیم. برای من، مهم‌ترین بخش آموزش درباره مسئولیت‌پذیری بود؛ مثلاً اینکه اگر قولی به دیگران یا حتی اعضای خانواده می‌دهیم، حتماً آن را سر موقع و کامل انجام دهیم. البته که فردی مسئولیت‌پذیر هستیم؛ اما به عنوان یک بانوی خانه‌دار، این مباحث

کمک کرد که در ایفای نقش همسر و مادر بهتر عمل کنم. آموزش دیگری که در این دوره به او کمک کرده، چگونگی ارتباط با دیگران است. ملیحه می‌گوید:

آموزش‌هایی مبنی بر خودمراقبتی با تأکید بر کرامت انسانی، ارتقای دانش و آگاهی، عزت نفس و خودشکوفایی به شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود

عطائی دورتادور اتاق، بانوانی جوان و میان سال نشسته‌اند و با دقت به نکات آموزشی کارشناس گوش می‌کنند. عده‌ای هم قلم و کاغذ برداشته‌اند و نکات مهم را یادداشت می‌کنند. امروز آخرین جلسه طرح آگاه‌سازی زنان و دختران با موضوع آموزش‌های خودمراقبتی است که در مرکز «مثبت زندگی» محله شهید آوینی برگزار می‌شود و با استقبال خوب بانوان محله همراه بوده است.

● ۲۵ شرکت‌کننده از محله

مریم سابیلا، مدیر مرکز مثبت زندگی محله شهید آوینی و مربی طرح، درباره این برنامه که با ۲۵ شرکت‌کننده و در هشت جلسه سه ساعته برگزار شده است، می‌گوید: طرح «آگاه‌سازی زنان»، پیشنهاد معاونت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان



نونهال محله شهید بسکابادی فوتبالبست تیم امید مشهد است

کسب موفقیت با حمایت دایی



نیکو عقیده امیرمهدی ترشیزی، فوتبال را از زمین‌های خاکی محله‌اش شروع کرد و به مرور پایه میدان حرفه‌ای فوتبال گذاشت. دایی‌اش که مربی فوتبال است، دو سال پیش، او را به مسیری متفاوت هدایت کرد و مربیگری‌اش را برعهده گرفت. حالا امیرمهدی نه ساله و دانش آموز مدرسه شهید سپاسه در محله شهید بسکابادی است و با پیراهن تیم امید مشهد بازی می‌کند. با استعداد و پر تلاش و با انگیزه است و باور دارد که به زودی نامش در دنیای فوتبال مطرح خواهد شد.

● روحیه قوی تو تحسین برانگیز است. الگوی تو در زندگی کیست و برای آینده چه آرزوهایی داری؟

الگوی من دایی‌ام، آقای مهدی عزیز است. دوست دارم مانند ایشان فردی موفق و پرتلاش باشم و همه‌ام من به نیکی یاد کنند. همچنین خداداد عزیزم را بسیار دوست دارم و از سبک بازی او الهام می‌گیرم. آرزوی من این است که روزی در تیم ملی فوتبال بازی کنم و پس از آن، به عنوان مربی به بچه‌های حاشیه شهر کمک کنم تا بتوانند استعداد‌های خود را شکوفا کنند.

● تاکنون چه موفقیت‌هایی در فوتبال به دست آورده‌ای؟

طی این دو سال در تیم امید مشهد مسابقات زیادی شرکت کرده‌ایم. در آخرین رقابت، مقام اولی را در مسابقات فوتبال جام رمضان به دست آوردیم که برای کودکان کمتر از ۱۰ سال بود و آذرماه در زمین چمن نصرت برگزار شد.

● اگر فوتبالبست نمی‌شدی، کدام رشته ورزشی را انتخاب می‌کردی؟

رشته‌های رزمی را هم دوست دارم و بین رفقایم رزمی‌کار زیاد است. چند جلسه‌ای هم در کلاس ووشو شرکت کرده‌ام اما با همه این‌ها باز هم فکر می‌کنم که هیچ ورزشی را به اندازه فوتبال دوست ندارم و آن را رشته دیگری عوض نمی‌کنم.

● چند روز در هفته تمرین می‌کنی؟

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه به طور منظم زیر نظر دایی‌ام تمرین می‌کنم. تلاشم این است در هر تمرین، بهترین عملکرد را داشته باشم و همیشه به دنبال پیشرفت هستم.

● تا به حال مصدوم هم شده‌ای و آیا این حادثه باعث شده از تمرین منصرف شوی؟

یک بار حین تمرین زمین خوردم و بیهوش شدم! من را به درمانگاه بردند و خدا را شکر به خیر گذشت. چند هفته‌ای هم به توصیه دکتر استراحت کردم و خانه نشین شدم اما پس از بهبودی، دوباره به میدان بازگشتم.

● شنیده‌ایم که دایی‌های تو همگی فوتبالبست هستند.

این موضوع چقدر در علاقه‌مندی تو به فوتبال تأثیر داشته است؟

یکی از دایی‌هایم، آقای مهدی عزیز است. مربی تیم امید مشهد است و تمرین‌های تیم را در زمین چمن پارک نصرت برگزار می‌کند. او بود که باعث شد دو سال پیش پایه این تیم بگذارم و فوتبال را حرفه‌ای تر دنبال کنم.



امید محله





چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بیست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجاده، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه، عباس‌آباد

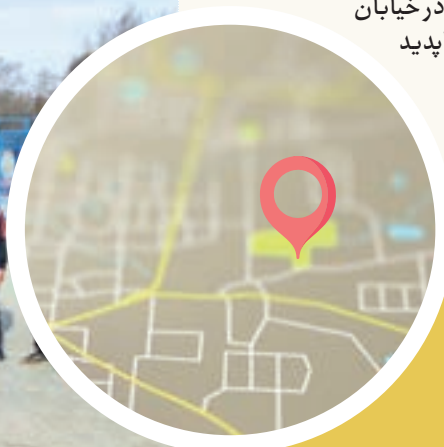


● به همت مدیران مدارس و اعضای هیئت امنای مسجد پنج تن^(ع) محله پورسینا از نوجوانان فعال مسجدی قدردانی شد.
تصویر و متن از محمد پاک‌مذهب، فرهنگی محله پورسینا



● تابلو ورود ممنوع جلو مدرسه رودکی در خیابان گلبوی ۵۱ محله امیرالمؤمنین^(ع) به یکباره ناپدید شده است!

تصویر و متن از ایوب حسامی، فعال اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع)



محله به روایت شما

● مسابقات فوتبال تیم‌های مدارس فضل‌ا... نوری، آصفی فرو شکوفه‌های انقلاب در زمین بازی بوستان نصرت برگزار شد که به پیروزی تیم مدرسه آصفی فرانجامید.
تصویر و متن از مهدی چراغی، فعال رسانه محله پورسینا



● اهالی در انتظار تخریب مغازه متروکه وسط سواره‌رو خیابان عبادت در محله مهرآباد هستند که سال‌هاست بلا تکلیف رها شده است.
تصویر و متن از سیدرضا حسینی، عضو شورای اجتماعی محله مهرآباد



● کلاس‌های دوره‌مقدماتی مخصوص داوطلبان امداد و نجات منطقه ۵ با موضوع مدیریت بحران، پدافند غیرعامل، اصول ایمنی و اطفای حریق در فرهنگ سرای امت برگزار شد.
تصویر و متن از سمیرا جهانی، رابط دوام ثامن منطقه ۵